



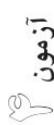
مدت امتحان: ۶ دقیقه	سوالات امتحانی درس: فارسی (۲)
آزمون نوبت دوم (۱)	پایه یازدهم – منتخب [۴]

رديف	سؤالات	نمره
------	--------	------

ردیف	سوالات	نمره
۱۴	در بیت‌های زیر کدام یک از زمینه‌های (ویژگی‌های) حماسه دیده می‌شود؟ چو شیر خدا راند بر خصم تیخ به سرکوفت شیطان دو دست دریغ پرید از رخ کفر در هند رنگ	۰/۵
۱۵	تپیدنند بتخانه‌ها در فرنگ نوع ادبی شعر زیر را بنویسید. از آن پس، چنین گفت با موبدان مرا در نهانی یکی دشمن است	۰/۵
۱۶	در بیت «به سوی قله بی‌انتهای بیداری / پرندۀای که به خون پر کشیده می‌آید»، تشبیه را پیدا کنید و مشبّه را نشان دهید.	۰/۵
۱۷	بیت اول شعر «فصل عاشقی» را بنویسید.	۰/۵
۱۸	کدام گزینه می‌تواند مصراع دوم بیت زیر باشد. «منم پسور ایران و نام آورم الف. که با او چنین است پیمان من ب. گذشتند ز جان، رسم مردانگی است پ. ز نیروی شیران بود گوهزم ت. به بیزان، که بدتر ز اهریمن است بیت بعدی شعر زیر را بنویسید.	۰/۵
۱۹	مرا اوج عزّت در افلاک توست مصطفاع اول بیت زیر را بنویسید.	۰/۵
۲۰	خموشی است هان، اولین شرط عشق	۰/۵
۲۱	<b>قالمرو فکری</b> با توجه به رباعی زیر به سوالات پاسخ دهید. «رازی که خطرکنندگان می‌دانند در بازی خون، برندگان می‌دانند با بال شکسته پرگشودن، هنر است این را همه پرندگان می‌دانند!»	۱
۲۲	عبارت «تنها خصوصیت سعدی این است که سخن‌به سخن هم شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است، مانند او حرف بزنده در عین حال نظری حرفاً زدن اوراه روز در هر کوچه و بازار می‌شنویم.» به کدام ویژگی سبک سعدی اشاره دارد؟	۰/۵
۲۳	در سروده زیر منظور از قسمت مشخص شده چیست? به خوناب شفق در دامن شام در آن دریای خون، در قرص خورشید	۰/۵
۲۴	در بیت‌های: «بدو گفت مهتر به روی دزم که بر گوی تا از که دیدی ستم؟ ز شاه آتش آید همی برسرم یکی بی‌زیان مرد آهنگرم الف. «مهتر» کیست؟ ب. مفهوم «ز شاه آتش آید همی برسرم» را بنویسید.	۱
۲۵	معنی سروده زیر را به نثر روان فارسی بنویسید. «هر نفسی را دو نعمت است: / دم فرو دادن و بر آمدنش / آن یکی ممدّ حیات است / این یکی مفرح ذات.»	۱
۲۶	مفهوم کلی بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند» را بنویسید.	۰/۵
۲۷	معنی و مفهوم هریک از عبارت‌ها و شعرها را به نثر روان فارسی بنویسید. الف. معلم را در ظن خود تقویت کرد. یقین شد که من بازی جدید در آورده‌ام که او را دست بیندازم. ب. مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید. پ. گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش ت. چون نوبت به دل رسید، گل دل را از بهشت بیاوردند و به آب حیات ابدی سرشتند و به آفتاب نظر پروردند.	۲



گلبرگ



ردیف	سؤالات	نمره
۲۸	<p>با توجه به شعر زیر پاسخ دهید.</p> <p>«حبیب خدای جهان آفرین هم برده سر در گربیان فرو به جز بازوی دین و شیر خدا الف. منظور از «حبیب خدای جهان آفرین» کیست؟ ب. معنی و مفهوم قسمت مشخص شده را بنویسید. پ. «بازوی دین و شیرخدا» لقب چه کسی است؟</p>	۱/۵
۲۰	جمع نمره	

### پاسخ تشریحی آزمون (۴)

- ۱ الف. سُرگ = عظیم (۰/۲۵)  
ب. سهم = ترس (۰/۲۵)  
پ. بسپردن = پای مال کردن (۰/۲۵) ۲ سرور و شادمانی (۰/۲۵)
- ۳ بن مضارع + وند+ بن مضارع ← اسم وندی - مرکب (۱)
- ۴ الف. گر = یا (۰/۲۵)  
ب. گر = مخفف اگر (قید یا حرف ربط) = چنانچه (۰/۲۵)
- ۵ الف. کثیف: دچار تحول معنایی شده و با از دست دادن معنای قدیم، معنای جدید پذیرفته است. (۰/۲۵)  
ب. خنده: با همان معنای گذشته ادامه حیات می‌دهد. (۰/۲۵)
- ۶ ۱. سنبل: ابدال در صامت (۰/۲۵)  
۲. برآمد: کاهش (۰/۲۵)
- ۷ اول شخص مفرد (۰/۵)
- ۸ دیدی: ماضی ساده (۰/۲۵)  
۹ فردوسی: نهاد (۰/۲۵) تصویر: مفعول (۰/۲۵)  
روزها: متمم (۰/۲۵) سیاه: صفت (۰/۲۵)
- ۱۰ الف. معونت (۰/۲۵)  
ب. بخواست (۰/۲۵)
- ۱۱ آسمانی ← اسم + وند (۰/۵)
- ۱۲ گو (ی): بن مضارع (۰/۲۵) گفتگی: صفت لیاقت (۰/۲۵)
- ۱۳ تشبیه: کلاف ابرهای تیره ← ابرهای تیره: مشبه  
کلاف: مشتبه (۰/۵)  
تشخیص: دف زدن آسمان / بازکردن کلاف به دست رنگین کمان /  
کل کشیدن خورشید (۰/۵)  
کنایه: دف زدن آسمان (اصاغه، آذرخش، رعد و برق) (۰/۵)  
کنایه: کل کشیدن خورشید (شادی کردن، جشن گرفتن)  
کنایه: بازکردن کلاف ابرهای تیره: صاف شدن آسمان
- ۱۴ اغراق (۰/۵)
- ۱۵ ادبیات حماسی (۰/۵)
- ۱۶ بیداری (مشبه) قله (مشتبه) (۰/۵)
- ۱۷ بیا عاشقی را رعایت کنیم / ز یاران عاشق حکایت کنیم. (۰/۵)
- ۱۸ گزینه «پ» ز نیروی شیران بود گوهرم (۰/۵)
- ۱۹ رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد / به خون من آن ذره آغشته باد (۰/۵)
- ۲۰ مگو سوخت جان من از فرط عشق (۰/۵)
- ۲۱ الف. مرگ و کشته شدن (۰/۵)  
ب. با بال شکسته پر گشودن (۰/۵)
- ۲۲ ویژگی سهل و ممتنع بودن (۰/۵)
- ۲۳ پایان دوران حکومت و عمر خویش را می‌دید. (۰/۵)
- ۲۴ الف. ضحاک (۰/۵)  
ب. شاه به من ظلم و ستم می‌کند. (۰/۵)
- ۲۵ هر نفس کشیدن دو نعمت دارد، فرو دادن نفس (دم) و بیرون دادن آن (بازدم). نفس کشیدن به زندگی انسان کمک می‌کند و بیرون فرستادن نفس شادی بخش وجود است. (۱)
- ۲۶ دگرگونی ارزش‌ها (وارونگی ارزش‌ها) معتبر شدن بدی‌ها و بی‌ارزشی‌ها. (۰/۵)
- ۲۷ الف. معلم در گمان خود مطمئن شد که من برای مسخره‌بازی عینک زدهام تا او را اذیت کنم. (۰/۵)  
ب. مرا تقدير به اين مهلكه کشاند. (۰/۵)  
پ. پر جم رهبری را به دست گرفته است و همراه با سپيده پیروزی می‌آيد. (۰/۵)  
ت. وقتی نوبت به دل رسید، گل دل را از بهشت آوردند و با آب زندگی جاودید در آمیختند (آن را جاودانه کردند) و توجه ویژه‌ای به آن شد. (۰/۵)
- ۲۸ الف. پیامبر اکرم(ص) (۰/۵)  
ب. هیچ کس تمایلی به جنگیدن با او نداشت. (۰/۵)  
پ. حضرت علی (ع) (۰/۵)